



موضوع و اهداف کلی درس: آشنایی بیشتر با مشاهیر و بزرگان دینی و مذهبی، آشنایی با جایگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، آشنایی با نامه‌نگاری به عنوان یکی از آسان‌ترین راه‌های ارتباط با دیگران، تقویت رفتارهای پسندیده با دیگران و طبیعت، تلاش برای به دست آوردن رضایت پدر و مادر و احترام به جایگاه معلم در جامعه.

نصیحت امام (ره)

دانش آموزان یک مدرسه دخترانه برای امام خمینی (ره) نامه می‌نویسند. آنها در نامه‌شان به کتاب درسی خود اشاره می‌کنند که در آن نوشته شده است، امام محمد تقی، علیه السلام، نامه‌ای نصیحت آمیز به یکی از یاران خود نوشته است. دانش آموزان می‌نویسند: «ولی اماما، ما شمارا نمی‌توانیم نصیحت کنیم؛ زیرا شما بزرگوارید و از همه کنایان به دورید. شما آن امام بت شکنی هستید که مدت چهل سال است نمازهای شبان ترک نشده.» امام خمینی در پاسخ نامه دانش آموزان که خواسته بودند آنها را نصیحت کنند، نوشتند:

واژه‌های مهم: امام: پیشوا، رهبر / علیه السلام: سلام و درود بر او باد / نصیحت: پند، اندرز / نصیحت آمیز: آمیخته به اندرز، همراه با پند / بت: تندیس ساخته شده از سنگ، چوب، فلز یا هر چیز دیگر به شکل انسان یا حیوان که به جای خداوند، پرستش شود.

دانش زبانی: دانش آموزان یک مدرسه دخترانه: نهاد/ برای: حرف اضافه / امام خمینی: متمم / اماما: (ای امام) ندا و منادا، شبه جمله.

باسمه تعالی

«فرزندان عزیزم، نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم. کاش شما عزیزان مرا نصیحت می کردید که محتاج آنم. امید است با نشاط و خرمی درس بیاتان را بخوانید و در همان حال، به وظایف اسلامی که انسان ها را می سازد، عمل کنید و اخلاق خود را نیکو کنید و اطاعت و خدمت پدران و مادران را غنیمت شمارید و آنها را از خود راضی کنید و به معلم بیاتان احترام زیاد بکنارید. سعی کنید برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشورتان مفید باشید. از خداوند تعالی، سلامت و سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نور چشمان، آروزی کنم. سلام بر همه شماها».

۲۹ شهر صفر ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخنینی

واژه های مهم: باسمة تعالی: به نام او که بلند مرتبه است. / محبت آمیز: آمیخته به مهر و محبت / قرائت کردم: خواندم / محتاج: نیازمند / نشاط: طراوت، شادابی / خرمی: شادی، نشاط / وظایف: جمع مکسر (مفرد آن: وظیفه) / اخلاق: خوی ها، رفتار، جمع مکسر (مفرد آن: خلق) / نیکو: خوب / اطاعت: فرمان بردن / غنیمت شمردن: قدر دانستن، با ارزش شمردن، فایده و سود بردن / راضی: خشنود / تعالی: بلند مرتبه / سعادت: خوشبختی / ترقی: پیشرفت.

نکته ادبی: نورچشمان: کنایه از فرزندان عزیز.

دانش زبانی: نامه محبت آمیز شما: مفعول / قرائت کردم: فعل.

شوق خواندن

علامه محمد تقی جعفری، از همان کودکی کنجکاو و دقیق بود. همراه دایی و برادرش به دامن طبیعت می‌رفت. طبیعت را دوست داشت و می‌کوشید از زیبایی‌های آن لذت ببرد. او، گاه دقایقی طولانی به یک گل خیره می‌شد و نشاط عجیبی احساس می‌کرد. گاهی وقت‌ها برای شنیدن صدای پرندگان، روی تخته‌سنگی دراز می‌کشید و چشم‌هایش را می‌بست و به آواز آن‌ها که با صدای رودخانه در هم می‌آمیخت، گوش می‌سپرد. از تلخ‌ترین خاطرات روزهای کودکی او، دیدن کسانی بود که با تیرکمان، به صید پرند ه می‌پرداختند. او از صید کبچشکی کوچک با تیرکمان، احساس بیزاری و تنفر می‌کرد. وقتی در حیاط مدرسه می‌شنید که هم‌کلاسی‌هایش با هیجان از شکار پرند ه ای حرف می‌زنند، با ناراحتی از آنها دور می‌شد. او شیفته طبیعت بود و از اینکه کسانی با ثنوت سعی می‌کردند طبیعت زیبا و آرام را برهم بزنند، رنج می‌برد.

واژه‌های مهم: علامه: کسی که علم زیادی دارد، بسیار دانا، دانشمند / کنجکاو: جست‌وجوگر / دقاق: جمع مکسر (مفرد آن: دقیقه) / دقایقی طولانی: زمان زیادی / خیره: زل زدن، نگاه عمیق به چیزی / نشاط، خوشی، شادی / عجیب: شگفت‌انگیز، تعجب‌آور / احساس: حس کردن، درک کردن / آواز: صدا، آهنگ / صید: شکار / هیجان: شور و اشتیاق / شیفته: عاشق، دل‌داده، دلباخته / بیزاری: تنفر / بیزاری، تنفر: مترادف یا هم‌معنی هستند.

نکته‌های ادبی: دامن طبیعت: تشخیص / به دامن طبیعت رفتن: کنایه از به گردش و تماشا رفتن / صید، شکار، گنجشک، تیر و کمان: مراعات نظیر.

دانش زبانی: «علامه محمد تقی جعفری، از همان کودکی کنجکاو و دقیق بود»: علامه محمد تقی جعفری: نهاد / همان کودکی: متمم / کنجکاو و دقیق: مسند.

از روزی که وارد مدرسه شده بود، کلاس درس را نیز مثل گشت و گذار در صحراها و باغها دوست می داشت. همان قدر که از بازی کردن لذت می برد، از حل مسائل ریاضی، خواندن جغرافیا و علوم به وجد می آمد. او تعجب می کرد که چرا بعضی از بچه ها درس را به اندازه بازی کردن دوست ندارند و موقع شنیدن و خواندن شعر، احساس شادی نمی کنند.

واژه های مهم: گشت و گذار: گردش و تفریح / مسائل: جمع مکسر (مفرد آن: مسئله) / وجد: خوشحالی زیاد، شور و هیجان / موقع: وقت، زمان.

نکته های ادبی: ریاضی، جغرافیا، علوم: مراعات نظیر / شنیدن و خواندن: مراعات نظیر.

در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است، اخلاص و همت بلند، عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری و کسالت او را شفا دهد.

واژه های مهم: حرم: داخل مکان زیارتی / ضریح: خانه فلزی یا چوبین مُشَبَّک که بر سر مزار بزرگان دینی قرار دارد. / اخلاص: پاکی، یک رنگی / همت: اراده، پشتکار، تلاش / کسالت: بیماری / شفا: درمان، تندرستی.

نکته های ادبی: ضریح، حرم: مراعات نظیر.

دانش زبانی: «سر را بر ضریح آن حضرت گذاشت» نهاد: ضمیر «او» که حذف شده است / سر: مفعول / ضریح آن حضرت: متمم / گذاشت: فعل.

زیارت حضرت معصومه (س) به او آرامش بخشید. باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش زنده شد. مشتاقانه به سوی

«مدرسه دارالشفای» قم به راه افتاد. از حرم تا مدرسه راهی نبود، تنها چند قدم. حرم، دل او را آرام می کرد و مدرسه،

اندیشه اش را. حجره ای ساده و کوچک نصیب او شد. حجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و گلیم کهنه و ساده ای

کف آن را پوشانده بود. حجره‌ای که برای محمد تقی از همه دنیا بزرگ تر بود. حالامی توانست در کلاس درس استادان مختلف، شرکت کند و هر روز تا نیمه‌های شب به مطالعه و اندیشیدن پردازد.

علامه جعفری، محمدناصری، باکاهش و اندک تغییر

واژه‌های مهم: شوق: علاقه، اشتیاق / عطش: تشنگی زیاد / مشتاقانه: با علاقه، با شور و شوق / دارالشفاء: بیمارستان، در اینجا نام مدرسه‌ای است. / عطا کند: ببخشد / نصیب: قسمت، بهره / حُجره: اتاق کوچک / گلیم: نوعی فرش.

نکته‌های ادبی: عطش مطالعه: کنایه از علاقه زیاد به مطالعه / مطالعه و مدرسه: مراعات نظیر / زیارت، حرم، قم، حضرت معصومه (س): مراعات نظیر.

دانش زبانی: زیارت حضرت معصومه (س): نهاد / به: حرف اضافه / او: متمم / آرامش: مفعول / می‌بخشید: فعل.



جعفری، استاد محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۷۷ ه. ش.)

استاد محمد تقی جعفری در مرداد سال ۱۳۰۴ ه. ش. در خانواده‌ای فقیر در شهر تبریز به دنیا آمد. هنگامی که می‌خواست به کلاس ششم برود، مجبور به ترک تحصیل شد و یک سال ونیم در مغازه کفّاشی، شاگردی کرد. بعدها به کمک یکی از استادان خود راهی نجف شد. در ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد رسید و پس از ۱۱ سال به ایران بازگشت. از استاد جعفری کتاب‌ها و آثار علمی فراوانی درباره نهج البلاغه، مثنوی مولوی و موضوعات دیگر بر جای مانده است. وی در سال ۱۳۷۷ درگذشت.

واژه‌های هم خانواده: سعادت: سعید، مسعود، سعد / غنیمت: مغنم، غنایم، اغتنام / مسائل: سؤال، مسئول، مسئله / حضور: حاضر، محضر، احضار / احساس: حس، محسوس، حساس / لذت: لذیذ، لذات / تنفر: نفرت، متنفر / نصیحت: نصایح، ناصح / محتاج: احتیاج، حاجت / شرکت: شریک، مشارکت / اخلاص: خالص، خلوص، مخلص / حل: انحلال، منحل، حلال.



دانش زبانی:

مُسَنَد: به کلمه‌هایی که در جمله، به نهاد نسبت داده می‌شوند، مسند گویند؛ مانند: «روشن»، «شاد» و «سرد» در جمله‌های زیر:
هوا روشن است.

زهرا شاد بود.

چای سرد شد.

چنان‌که ملاحظه می‌کنید، فعل جمله‌های بالا اسنادی است. به فعل‌هایی مانند «است»، «بود»، «شد»، «گشت» و «گردید» فعل اسنادی گفته می‌شود.

در جمله اول، «روشن» به «هوا»، در جمله دوم «شاد» به «زهرا» و در جمله سوم «سرد» به «چای» نسبت داده شده‌است؛ بنابراین مُسَنَد هستند. مُسَنَد معمولاً پیش از فعل اسنادی و در جواب «چگونه + فعل؟» می‌آید.



در نوشتن املائی دو کلمه «گزاردن» و «گزاردن» نباید اشتباه کرد. گزاردن، به معنای ادا کردن و به جا آوردن و گزاردن به معنی نهادن و قرار دادن است.

هنگام شنیدن نشانه‌های اختصاری در املا، شکل نوشتاری کامل آنها نوشته شود؛ مانند «ص»: صلوات الله علیه.